جریان‌شناسی تقابل علم و دین در رویکرد متفاوت معنویت‌های نوظهور به مسئله آخرالزمان و پساآخرالزمان

مریم السادات نوابی قمصری[1]

چکیده

پژوهش حاضر تحقیقی در عناصر ضددینی آخرالزمان و پساآخرالزمان در دو فیلم پرمخاطب «آخرالزمان» مردان ایکس و «جعبه پرنده» است. به این منظور سعی شده با تحلیل محتوای این دو فیلم و یافتن عناصر دینی و ضددینی آن، بـه اهـداف پنهـان روایات آخرالزمانی رسانه غرب در هدایت اذهان به ایدئولوژی مورد نظر تولیدکنندگان آن دست یافت. این دو فیلم با بهره گرفتن از عناصری دینـی همچـون ظهـور دجـال، جنگ‌ها و فتنه‌های آخرالزمانی و ظهور منجی موعود، مهم‌ترین تعلیم تمام ادیان الهی را که وعده ظهور منجی صالح در پایان جهان و گسترش صـلح و عـدالت و معرفـت به‌وسیله اوست، به مبارزه طلبیده‌اند. خداستیزی، ارائه تصویری متفـاوت از منجـی، تقابل علم و دین، و رواج پوچی و ناامیدی در مورد جهان پس از ظهور، از مهم‌تـرین اهداف این دو فیلم است.

کلیدواژه: آخرالزمان، پساآخرالزمان، مردان ایکس، جعبه پرنده.

---

۱ استادیار دانشگاه فرهنگیان، رشته ادیان و عرفان m.navvabi@cfu.ac.ir

مقدمه

فضای مجازی در عصر حاضر بهترین و در دسترس‌ترین بستر تبادل ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌هاست. پیش از آنکه این فضا به‌نوعی در اختیار کاربران در همه رده‌های سنی قرار گیرد، انتقال فرهنگ و ایدئولوژی به این سهولت و فراگیر نبود و نهادهای اجتماعی به‌خصوص خانواده‌ها تا حدی نظارت بر این امر را بر عهده داشتند؛ اما با همگانی شدن فضای مجازی به‌خصوص در بین قشر جوان و نوجوان، ضرورت استفاده این فضا به‌خصوص برای کودکان در آموزش مجازی و دسترسی آسان این قشر آسیب‌پذیر به این فضا، تا حد زیادی نظارت و کنترل امر، غیرممکن شده و از این جهت لزوم اقداماتی جهت آگاه کردن همه کاربران احساس می‌شود.

شواهد حاکی از آن است که یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های این فضا به‌خصوص در ارتباط با نوجوانان و جوانان، دسترسی آسان به فیلم‌هایی است که کمپانی‌های بزرگ رسانه، نه جهت سرگرمی و فراهم کردن اوقات فرح‌بخش، بلکه به قصد ارائه ایدئولوژی و اندیشه‌های مورد نظر خود تولید کرده که غالبا به نحو زیرکانه‌ای دین و ارزش‌های دینی را نشانه گرفته‌اند. محتوا و درون‌مایه چنین فیلم‌هایی نه‌تنها بیننده را از ارزش‌های دینی و انسانی دور می‌کند؛ بلکه به نحوی او را دچار سردرگمی و پوچ‌گرایی کرده و در نهایت در آینده‌ای نه چندان دور، جامعه را به ورطه اضمحلال می‌کشاند.

از جمله فیلم‌هایی که به جهت هیجان، خشونت و بازی با تخیل بیننده، در بستر فضای مجازی بسیار طرفدار دارد، فیلم‌های مرتبط با آخرالزمان و پساآخرالزمان است که با الهام گرفتن از عناصر دینی، اما به روایت دیگر ساخته شده‌اند. در این نوع فیلم ها، روایات متنوعی مشاهده می‌شود که هر کدام منتقل کننده فهم متفاوت و جدیدی از آخرالزمان می‌باشند. نشان دادن منجی آخرالزمان در قالب فردی خون‌ریز و مفسد، نابودی ضعیفان و بقای ثروتمندان در پایان دنیا و...، از جمله این روایات است. در دو فیلم «آخرالزمان» مردان ایکس «جعبه پرنده»، راوی با بهره گرفتن از عناصر دینی به نفع علم، به‌گونه‌ای دوران آخرالزمان و پساآخرالزمان را دگرگون روایت می‌کند؛

به‌نحوی‌که اگر خواننده با عناصر دینی این دوران‌ها آشنایی داشته باشد، می‌تواند تقابل علم در برابر دین را در این دو فیلم مشاهده کند. در فیلم «آخرالزمان» مردان ایکس دجال تقریبا با همان صفاتی که روایات اسلامی و یهودی ـ مسیحی از آن سخن می‌گویند، ظاهر می‌شود. دجال در این فیلم در حقیقت همان منجی موعود در اسلام است که در پایان جهان به قصد براندازی نسل بشر ظهور می‌کند. در عوض منجی جهان، دانشمندی است که در علم و فنون عصر جدید دستی دارد و با تکنیک‌های علمی و ذهن شکوفای خود می‌تواند بر دجال فائق آید. تصویر زندگی در دوران پساآخرالزمان در فیلم «جعبه پرنده» نه آن‌چنان که در دین آمده مملو از صلح و صفا، بلکه سراسر یأس و ناامیدی و به تعبیر کاراکتر فیلم «نه زندگی، بلکه تلاش برای زنده ماندن» است.

در پژوهش مورد نظر پس از اشاره به سه مؤلفه حوادث مربوط به حوادث آخرالزمان، ظهور منجی و دوران پس از ظهور در ادیان زرتشتی، یهودیت، مسیحیت و اسلام، تحلیل این دو فیلم در استفاده نادرست از این سه مؤلفه آخرالزمانی ادیان به نفع ایدئولوژی ضددینی رسانه غربی ارائه خواهد شد.

حوادث آخرالزمان در ادیان

یکی از وجوه مشترک مطرح‌شده در کتب مقدس زرتشتی، یهودیت و مسیحیت و نیز روایات اسلامی، وقوع حوادثی است که در پایان کار جهان اتفاق می‌افتد. محور اصلی این حوادث، انحطاط اخلاقی بشر و وقایع طبیعی ویرانگر است. ذکر چنین وقایعی را ابتدا در متون زرتشتی می‌توان مشاهده کرد.

بنا بر اوستا، اهورامزدا در آغاز آفرینش دست به آفرینش مینوی که سراسر نیک است، می‌زند. اهریمن، به‌عنوان نیروی آفریننده شر در برابر اهورامزدا، از جهان تاریکی خود خیز برداشته و از دنیای نور آگاه می‌شود. او قصد دارد با تازش خود به جهان مینوی، آن را آلوده سازد؛ اما اهورامزدا دعایی خوانده که به موجب آن اهریمن بیهوش شده و به جهان تاریکی فرو می‌افتد(یسنا، ۱۹: ۱۵). با فرو افتادن اهریمن به

جهان تاریکی، اهورامزدا آفریدگان نیک مادی را خلق می‌کند. اهریمن پس از به هوش آمدن، با مشاهده نزهت و پاکی جهان مادی، قصد تباهی آن را کرده و شروع به خلق دیوان و شرور در گیتی می‌کند(یشتها، ۱۳: ۷۸). او برای این کار، اژدها، زمستان، گرمای سخت، خرفستران(حیوانات موذی)، سست‌باوری، ناهنجاری‌های اخلاقی و انواع گناه را می‌آفریند. او هرزگی و ناپاکی و هزاران بیماری را پدید می‌آورد(وندیداد، ۲۲: ۲). دورانی آمیخته از خیر و شر آغاز می‌گردد؛ درحالی‌که گرایش مردم بیشتر به گناه است. این‌گونه در پایان جهان، گناه و سستی و انواع شر جهان را فرا می‌گیرد. با فراگیر شدن فساد و تباهی در جهان و به ستوه آمدن مردم، سوشیانس، منجی موعود آخرالزمان در اوستا، ظهور خواهد کرد(ر.ک: تفضلی، ۱۳۵۴: ۹۳).

چنین حوادث تلخ آخرالزمانی را می‌توان در پیشگویی‌های انبیا در عهد عتیق نیز مشاهده کرد. تعبیر «روز خداوند» در عهد عتیق که بارها از سوی انبیا تکرار شده، اشاره به آخرالزمان و حوادث مربوط به آن دارد. اگرچه برخی محققان تاریخ، این پیشگویی‌های آخرالزمانی را به دوران پیش از اسارت بابلی می‌رسانند و بذر آن را در سخنان انبیایی همچون عاموس نبی می‌یابند، اما مطالعه عهد عتیق بیانگر آن است که بیشتر پیشگویی‌های آخرالزمانی در عهد عتیق مربوط به پیامبران دوران اسارت بابلی و پس از آن است که روزگار به شدت بر بنی‌اسرائیل تنگ آمده بود. غالب این پیشگویی‌ها نه همگانی، بلکه مربوط به آلام و رنج‌های یهود در مصائب آخرالزمان و نهایتا ظهور ماشیح و نجات قوم برگزیده خداوند است. ظاهرا برای اولین بار در عهد عتیق، آخرالزمان در سخنان اشعیای دوم رنگ جهانی می‌گیرد و «روز خداوند» به روزی که سیر تاریخ جهان به نقطه کمال می‌رسد، تأویل می‌گردد. اما پیش از چنین روز باشکوهی، شر و بدی چنان بر زمین مسلط خواهد شد که آه و ناله، جهان را فرا خواهد گرفت. حزقیال(حزقیال، باب ۳۸ و ۳۹) اخبار وحشتناکی را از این دوران ارائه می‌دهد. جنگ‌های نیروهای شر در برابر پروردگار و وقایع طبیعی همچون قحطی، زمین‌لرزه و آشفتگی‌های کیهانی، از جمله این وقایع ناگوار در پیشگویی-

های انبیای بنی‌اسرائیل است. تلمود، دایرةالمعارف دینی یهود، به بسیاری از حوادث ناگوار اخلاقی و جنگ‌ها و آشوب‌ها، به‌خصوص شورش‌های یأجوج و مأجوج در آخرالزمان و پیش از ظهور ماشیح، اشاره کرده است(ر.ک: کهن، بی‌تا: ص۳۵۵). ربانیون یهودی، همچون انبیا، رنج‌ها و محنت‌های بسیاری را نه‌تنها برای بنی‌اسرائیل، بلکه برای همه ملت‌ها پیش‌بینی می‌کردند و معتقد بودند که در آن دوران، بدمستی و بی‌بندوباری افزایش می‌یابد و جنگ و ستیز و هرج‌ومرج مسلط خواهد شد. به همین ترتیب در ادبیات مکاشفه‌ای، به یک جهان فاسد و نجات‌ناپذیر که تحت حاکمیت شیطان و سپاه دیوان است، اشاره شده است(ر.ک: گرینستون، ۱۳۸۷: ۴۵). زوهر، ادبیات عرفانی یهود، دوران پیش از عصر ماشیح را برای بنی‌اسرائیل وحشتناک توصیف می‌کند؛ چنان‌که به مدت چهل روز، ستونی از آتش در جهان پدیدار خواهد شد(ر.ک.گرینستون، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

در مورد اعتقاد مسیحیان به آخرالزمان، بعضی معتقدند که آنچه از نشانه‌های آخرالزمان در عهد جدید آمده، برگرفته از کتب مکاشفه‌ای یهودی است و مخاطب آن، یهودیانی بودند که با مکاشفات آشنایی داشتند(ر.ک: سلطانی ثانی، ۱۳۹۵: ۷۵). لازم به ذکر است که در اناجیل از آنجا که سلطنت زمینی عیسی علیه‌السلام با سلطنت روحانی و پایانی او پیوند خورده، به سختی می‌توان تصویری روشن از آخرالزمان پیدا کرد. بااین‌وجود، مضامینی در ارتباط با حوادث آخرالزمان در بعضی فقرات آن مشاهده می‌شود. برای مثال در انجیل مرقس(۱۳: ۶-۹) حضرت عیسی علیه‌السلام وقوع چنین جنگ‌ها و آشوب‌هایی را ضروری دانسته است: «زیرا امتی بر امتی و مملکتی بر مملکتی برخواهد خواست و زلزله‌ها در جای‌ها حاصل خواهد شد و قحطی‌ها و اغتشاش‌ها پدید خواهد آمد و اینها ابتدای دردهای زه می‌باشد». علاوه بر جنگ‌ها و اغتشاشات و بلایای طبیعی (متی: ۲۴: ۴-۹؛ ۲۴: ۲۱-۲۲) که در عهد جدید اشاراتی به آن شده است، ظهور نیروی اهریمنی که به نام مسیح دیگران را گمراه می‌کنند، قابل توجه است: «چنان‌که شنیده‌اید دجال می‌آید، الحال هم دجالان زیاد حاضر شده‌اند و از این می-

دانیم ساعت آخر است»(رساله اول یوحنا: ۲: ۱۸). ظهور دجال که پیش از این در عهد قدیم آمده، یکی از عناصر محوری آخرالزمان در مکاشفات یوحناست که با نام «وحش» به آن اشاره شده است. بنا بر بند سیزده از این کتاب، در پایان جهان «وحش» از دریا بیرون آمده و با قدرت خارق‌العاده وافر بر جهان حکومت خواهد کرد. عده زیادی از مردم که در زمره گناهکاران هستند، به او ایمان آورده و برای مدتی تحت سیطره حکومت او بر جهان غالب خواهند شد.

علی‌رغم اینکه در قرآن به‌وضوح اشاره‌ای به فتنه‌های آخرالزمان نشده و محققان آیاتی را در اشاره به حوادث آخرالزمان تأویل و تفسیر کرده‌اند(ر.ک: نصیری، ۱۳۹۰: ۱۲۰-۱۲۱)، در روایات اسلامی منقول از بزرگان دین، در باب حوادث پیش از ظهور موعود، به‌وفور اشاراتی به مصیبت‌های آن روزگار و حاکمیت ظلم و کفر شده است. باران و سیل ویرانگر، زلزله، فرو رفتن زمین، از بین رفتن چهارپایان اهلی، متوقف شدن باران، بلاهای ناشناخته، کوتاه شدن عمر، مرگ‌های ناگهانی، گسترش ناامنی و ...، از جمله پیشگویی‌های این روایات است. از این میان، در بیش از دو هزار روایتی که در منابع اسلامی در موضوع مهدویت آمده است، نبردهای آخرالزمانی میان نیروهای شر و نیروهای خیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است (ر.ک.متقی و طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۲). مهم‌ترین این فتنه‌ها، فتنه دجال در آخرالزمان است. وجود چنین عنصر اهریمنی در پایان جهان در روایات اهل‌سنت به‌گونه‌ای مقبول افتاده که تکذیب آن هم‌سنگ با کفر است. در برخی روایات، به ویژگی‌های او همچون عوام‌فریبی، ادعای خدایی کردن و به دنبال آن، انجام کارهای جادویی از قبیل رویاندن زمین و باریدن آسمان اشاره شده است(ر.ک: امام جمعه، احمدی، ۱۳۸۹: ۲۱). همچنین امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال که دجال کیست، پس از برشمردن ویژگی‌های ظاهری او، به قدرت او در طی‌الأرض اشاره می‌کند(ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۸۲: ۱۳۷). اشاره به قدرت و ویژگی‌های خاص دجال در روایات اسلامی و کتاب مقدس باعث شده که اهل تفکر بحثی را در تحقیقات آخرالزمانی خود، به هویت چنین موجودی اختصاص دهند.

در پاسخ به این سؤال که آیا دجال شخصی واقعی در عالم خارج است و یا نمادی از حقیقت، در بین متفکران مسلمان اختلاف وجود دارد که بحث از آن در این مقال نمی‌گنجد. آنچه مسلم است، اینکه دجال چه به بیان ظاهر روایات، شخص دروغگوی فریبکاری باشد و یا به بیان متفکرینی همچون آیت‌الله مکارم شیرازی(ر.ک: مکارم، ۱۳۸۶: ۱۷۲) عنوان کلی برای افراد پرتزویر و حیله‌گری باشد که برای کشیدن مردم به دنبال خود، از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند، اشاره به حقیقتی در آخرالزمان دارد. در آن دوران فساد اخلاقی و بیداد و ستم همه جوامع را فرا می‌گیرد و به بیانی، به‌صورت عام‌ترین پدیده در روابط انسان‌ها درمی‌آید(ر.ک.نقیب السادات، ۱۳۹۶: ۸۰). این امر نتیجه فتنه‌ای جهانی است که ابتدای آن سیطره باطل بر جهان و به ستوه آمدن اهل حق و پایان آن پیروزی حق و نابودی باطل است.

ظهور منجی

یکی از موضوعات مشترک در ادیان، ظهور منجی پس از دورانی فلاکت‌بار است که جهان به لحاظ حوادث طبیعی دگرگون و به جهت اخلاقی رو به قهقراست. اهریمن با تمام نیروهایش بر جهان مسلط گشته و انتظار ظهور منجی بزرگ‌ترین آرزوی بشریت است. در این زمان منجی موعود که به نام‌های مختلفی در ادیان از او نام برده شده ظهور کرده و جهان را از شر اهریمن و فتنه‌های او نجات می‌دهد. مطالعه تعالیم دینی زرتشتی، یهودیت، مسیحیت و اسلام، بیانگر آن است که منجی، موعودی از نسل نبی است که به امر خداوند در پایان جهان برای مقابله با شرارت‌های اهریمنی ظهور می‌کند و جهان را از وجود اهریمن و عناصر آن پاکسازی می‌کند.

بنابر اوستای متأخر و کتب پهلوی، سوشیانت به معنای رهاننده، منجیان موعود زرتشتی هستند که در سه هزار سال پایانی از دوازده هزار سال جهان مادی ظهور می‌کنند؛ آن‌زمان که گیتی از طغیان اهریمن تباه گشته و مخلوقات ایزدی به ستوه آمده باشند(ر.ک: تفضلی، ۱۳۵۴: ۹۳). این منجیان سه نفر هستند که هرکدام به مدت هزار سال، در سه هزار سال پایانی، بخشی از جهان را از نیروهای اهریمنی پاک می‌سازند.

هوشیدر، هوشیدرماه و سوشیانت، منجیان آخرالزمانی زرتشتی هستند که اگرچه بخشی از گیتی را از وجود دیوان پاکسازی می‌کنند، اما نیروهای ایزدی تا پایان هزاره‌ها همچنان اسیر پلیدی اهریمن هستند(ر.ک: همان: ۹۱). در اوستای متأخر به طور مکرر از سوشیانت‌هایی نام برده می‌شود که در آخرالزمان ظهور می‌کنند و به نوسازی گیتی می‌پردازند: «... فری که از آن سوشیانت پیروزمند و دیگر یاران است، بدان هنگام که گیتی را نو کنند» (زامیادیشت: ۸۹). بنابر اعتقاد زرتشتیان، سوشیانتْ واژه‌ای که به طور خاص به آخرین منجی زرتشتی اشاره دارد، همان موعودی است که جهان را به‌طور کلی از لوث اهریمن پاک کرده و به رستاخیز مردگان اقدام می‌کند.

در یهودیت باور به منجی، ماشیح، در اسفار خمسه مورد اشاره نیست و در کتب انبیای متأخر عهد عتیق جلوه خاصی پیدا می‌کند. ازاین‌رو برخی معتقدند که عقیده به منجی در یهودیت، پس از ارتباط آنها با ایرانیان و برگرفته از اعتقاد آنها به سوشیانس ایران باستان است(ر.ک: پورداوود، ۱۳۷۴: ۸؛ ناس، ۱۳۷۰: ۵۴۷). این ایده، یعنی انتظار سلطنتی ایده‌آل، موضوع جدیدی است که در کتاب اشعیا(۹: ۶-۷) به آن اشاره شده است: «زیرا برای ما ولدی بخشیده و پسری زاییده شود و سلطنت به دوش او خواهد بود ... ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داوود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود، تا آن را به انصاف و عدالت از الان تا ابدالآباد ثابت و استوار نماید». در همین کتاب (۱۱: ۳-۱) آمده: «منجی نهالی از تنه یسنی بیرون آمده، شاه از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و مشورت». در پیشگویی‌های دانیال نبی(۲: ۴۴) از سلطنت جاوید ماشیح سخن به میان آمده است. این کتاب مکاشفه‌ای، به زبان رمز از «روز خدا» به‌عنوان روز اصلاح جهان و محکوم کردن اشرار به‌وسیله خداوند سخن می‌گوید. علاوه بر کتب انبیای متأخر، موضوع محوری در ادبیات مکاشفه‌ای عهد عتیق، ظهور منجی است. در کتاب یشوع بن سیراح(۴۸: ۱۰-۱۲) از شخصیتی به نام الیاس نام برده شده که پیشاهنگ ماشیح و زمینه‌ساز صلح و آرامش جهان و فرو نشاندن خشم خداوند پیش از ظهور

ماشیح است (ر.ک: دین پناه، ۱۳۹۷: ۷۰).

در مسیحیت سلطنت مسیحا، موعود آخرالزمان، یک واقعیت روحانی حاضر و همیشگی است؛ اما پایان جهان دوران عظمت سلطنت مسیح است: «چون فریسیان پرسیدند ملکوت خداوند کی خواهد آمد؟ او در جواب گفت: ... اینک ملکوت خدا در میان شماست» (لوقا، ۱۷: ۲۰). درعین‌حال همه باید برای ساعتی که پسر خدا به‌صورت ناگهانی، در جلال و هیبت، به همراه خداوند و فرشتگان خواهد آمد، آماده باشند (لوقا، ۱۷: ۲۰؛ ۳: ۳؛ متی، ۲: ۳). این آمادگی از آن جهت است که بنا بر عهد جدید، مسیح در آخرالزمان پس از آن‌همه فلاکت و مصیبت، در میان مردم به داوری خواهد نشست. اشاره به داوری مسیح در پایان جهان بیانگر آن است که در مسیحیت، آخرت و آخرالزمان بر هم منطبق هستند. در آن روز مؤمنان پس از داوری مسیح، به زندگی سعادتمندانه دست خواهند یافت. چنین ترسیمی از آخرالزمان شعله شوق به بازگشت مسیح را در وجود مسیحیان افروخته نگه داشته است. باب‌های نوزده تا بیست و یک از مکاشفات یوحنا، به اشتیاق به بازگشت مسیح اشاره دارد.

در عالم اسلام نیز ظهور مهدی موعودﷺ بنا بر روایات، از وعده‌های حتمی و سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی است که پس از فراگیری ظلم و بی‌عدالتی در جهان، به وقوع خواهد پیوست: «لو یبق من الدنیا الا یوم واحد لبعث الله فیه رجلا من اهل بیتی یملؤها عدلا کما ملئت جورا (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج۵۱، ۸۵). از این دسته روایات به‌وفور در روایات شیعه و سنی یافت می‌شود که همه دال بر ظهور منجی از نسل پیامبر است؛ کسی که از ظالمان انتقام گرفته و عدالت را برپا خواهد کرد. علامه طباطبایی با رویکرد به رابطه ضروری میان نیازهای فطری انسان و پاسخ‌گویی آن در جهان عین، ظهور منجی را بنا بر آرزوی همیشگی بشر در رسیدن به یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت و صلح ضروری دانسته است (علامه طباطبایی، بی‌تا: ۱۰۷).

دوران پساآخرالزمان

برخلاف جلوه کریه و ناپسند پایان جهان و حوادث مربوط به آن در ادیان، توصیف

دوران پس از آخرالزمان بسیار زیبا و دلنشین است؛ تصویر جامعه‌ای رؤیایی و ایده‌آل که هر ذهنی را شیفته خود می‌سازد و ناخودآگاه قلب سلیم انسان با شنیدن آن توصیفات، آرزوی چنین جهانی را در خود می‌پروراند. ره‌آورد منجی در ادیان، تنها مبارزه با اهریمن نیست؛ بلکه او صلح و عدالت و صفا را برای جهان بشریت به ارمغان می‌آورد. ارمغان او برای انسان همان چیزی است که تمام انبیای الهی به‌خاطر آن جنگیدند و رنج‌ها کشیدند.

به باور زرتشتیان دوران سوشیانس، دوران جاودانگی نژاد بشر، رشد و بالندگی، از بین رفتن بدی‌ها، مرگ و بیماری و فرمانبرداری از دین مقدس است(ر.ک: تفضلی، ۱۳۵۴: ۹۵). در روایت پهلوی آمده است: در این دوران مردم با صفا و صلح زندگی می‌کنند و به ستایش اهورامزدا می‌پردازند(ر.ک: بهار، ۱۳۷۶: ۳۸۳). در این دوره دین رواج یافته، تعلق مردم به مادیات کم و نهایتا مینوی شده و به اصل خود بازمی‌گردند. از این جهت موعود زرتشتیان سوشیانت است؛ یعنی رهاننده. در فروردین یشت(اوستا، فروردین یشت: ۲۹) آمده است: «او را از این‌جهت سوشیانت خوانند که به کلیه جهان مادی سود و منفعت رساند».

به گواهی عهد عتیق، امید به ظهور منجی در یهودیت، پس از رنج‌های زیادی که این قوم به جان خریده‌اند، تنها در سایه صلح و آرامش معنا پیدا می‌کند. اگرچه از بعضی فقرات عهد عتیق چنین برمی‌آید که صلح و امنیت پساآخرالزمانی تنها برای این قوم تدارک دیده شده؛ اما در تعالیم بعضی از انبیا همچون اشعیا این ایده مفهوم جهانی پیدا می‌کند. از جمله اوصاف منجی موعود در کلام ارمیای نبی، عادل بودن اوست؛ زیرا او سلطانی است عادل از ذریه داوود که به عدالت حکم خواهد کرد(ارمیا، ۲۳: ۵-۶). به جهت همین عدالت است که جهان در دوران پساآخرالزمان، از معرفت خداوند پر خواهد شد؛ همچون آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند و چنان آرامش و صلحی بر جهان حاکم خواهد بود که بره و گرگ در کنار هم سکونت خواهند کرد. در آن ایام، مرگ و اندوه از هستی رخت برخواهد بست. خداوند از آب اورشلیم روان

خواهد ساخت تا هرکس بیماری داشته باشد، به‌واسطه آن شفا یابد(اشعیا، ۱۱: ۱-۹). از تحولات بزرگ دوران حکومت ماشیح آن است که مردم از لحاظ عقلی و اخلاقی به درجه‌ای خواهند رسید که روح الهی بر آنان فرود خواهد آمد. از این جهت می‌بینیم که توصیف تلمود از آن دوران، به توصیفات زرتشتی از جهان مینوی پساآخرالزمان نزدیک است. در آنجا آمده است: «در جهان آینده نه خوردن هست و نه آشامیدن. نه زادوولد هست و نه دادوستد. نه حسد هست و نه کینه و رقابت؛ بلکه عادلان و نیکوکاران بر تخت نشسته و تاج‌های خود را بر سر دارند و از نور جلال الهی لذت می‌برند»(ر.ک: باغبانی، ۱۳۹۶: ۷۵). علاوه بر تلمود، در کتاب زوهر، از کتب عرفانی یهود نیز پیرامون جریان امور جهان در آخرالزمان به جزئیات سخن گفته شده است. بر اساس این کتاب، زمان مسیحا زمان باز شدن درهای حکمت و آشکار شدن اسرار شریعت است(ر.ک: گرینستون، ۱۳۸۷: ۱۱۴-۱۱۵).

تأکید بر عدالت‌خواهی ماشیح و مبارزه او با ظالمان در عهد عتیق، باعث شده که صفت خاص دوران پساآخرالزمان در کتاب مقدس، رواج عدل و انصاف و حکومت عادلان باشد. در انجیل متی چنین دوران درخشانی برای پس از آخرالزمان ترسیم شده است: «در آن هنگام فرشتگان همه متخلفین را از سلطنتش بیرون کنند و در تنور آتش اندازند و درست‌کاران و عادلان مانند خورشید خواهند درخشید» (متی، ۱۷: ۱۱). یوحنا (۲۱: ۱-۵) در مکاشفات خود جهانی از آینده را به تصویر می‌کشد که در آن زمین و آسمان نو شده و بعد از آن نه موتی خواهد بود و نه ماتم و ناله؛ زیرا که چیزهای اول درگذشته است.

به‌مانند ادیان زرتشتی، یهودیت و مسیحیت، تصویر دوران پساآخرالزمان در روایات اسلامی مشحون از زیبایی است. آن دوران، بخشی از شکوفایی و تکامل تاریخ بشریت است. دوره‌ای است که با پیروزی حق بر باطل و برپایی حکومت عدل الهی، مستضعفان وارثان زمین خواهند بود: ﴿ **و نرید أن نمن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم الأئمه و نجعلهم الوارثین** ﴾ (قصص: ۵). در این آیه از قرآن که در روایات با

حکومت مهدی(عج) تطبیق داده شده، از اراده تخلف‌ناپذیر خداوند بر پیروزی مستضعفان و پیشوایی آنها سخن به میان آمده است. در سوره انبیا(۱۰۵) خداوند آن‌گونه که در مزامیر (۳۷: ۲۹) آمده، وارثان زمین را بندگان صالح دانسته و به این ترتیب مراد خود را از مستضعفان وارث روشن کرده است. بنا بر برخی روایات، توصیفاتی همچون برقراری دین الهی و امنیت پس از ترس که خداوند در سوره نور (۵۵) اشاره کرده، در ارتباط با اوضاع پساآخرالزمان است(ر.ک: باغبانی، ۱۳۹۶: ۷۵).

از مجموع آیات و روایات کتب مقدس ادیان زرتشتی و ادیان ابراهیمی می‌توان متوجه شد که مبحث آخرالزمان در این ادیان وجوه بسیار مشترکی دارد که ناظر بر حقانیت آنها و واقعیت امر است. از منظر این ادیان، حوادث تلخ طبیعی و اخلاقی جهان‌شمول در آخرالزمان، به ستوه آمدن بشر و در نتیجه طلب ظهور منجی، ظهور ناجی را ضروری می‌سازد. منجی در این ادیان از یک طرف با نیروهای شر جنگیده و او را نابود می‌سازد و از طرفی دیگر عدالت و صلح را برای بشر به ارمغان می‌آورد. دوران پساآخرالزمان دورانی سرشار از آرامش و صلح است و این آرامش به جهت عدالت و رواج حکمت و معرفتی است که رهاورد منجی موعود است.

تحلیل عناصر دینی و ضددینی در فیلم آخرالزمانی جعبه پرنده و مردان ایکس

یکی از موضوعات رسانه‌ای که در سه دهه اخیر به کمک پیشرفت فناوری و فضای مجازی بسیار دیده شده و مورد استقبال قرار گرفته و همچنین توانسته به‌واسطه ترفندهای پیچیده فناوری که تخیل و هیجان ویژگی خاص آن است، به طور عجیبی در میان قشر نوجوان و جوان جایگاه قابل توجهی پیدا کند، موضوع آخرالزمان و پساآخرالزمان است. از آن جهت که بحث از پایان جهان و عناصر مربوط به آن، همچون حوادث تلخ آخرالزمان و ظهور وجود اهریمنی در پایان جهان و ... در میان ادیان مشترک و از اصول بنیادین هر دینی بوده، این موضوع سوژه خوبی برای رسانه غربی گردیده تا اذهان را به‌واسطه همان عناصر، با تفسیری متفاوت، متوجه ایدئولوژی ضددینی خود کنند. در غالب این فیلم‌ها در پایان جهان، دجال با همان قدرت

معجزه‌آسا که در آیات و روایات دینی آمده، ظهور کرده و جهان را آشفته می‌سازد. موجودات آسمانی که زمین را از بین می‌برند، گروه شیطانی از جنس بشر یا جن که زمین را تهدید می‌کند و یا ظهور انسان خبیثی که ادعای حکومت دارد، از آن جمله هستند. چنین موجود اهریمنی با هر نامی که خوانده شود، با ویژگی‌های دجال ادیان بسیار نزدیک است. اما موضوع محوری این سری فیلم‌ها، که در خود اندیشه ضددینی را پنهان دارد، پس از ظهور دجال شروع می‌شود؛ آنجا که مخاطب منتظر است تا منجی ظاهر شده و جهان را از لوث وجود اهریمن پاک سازد. محققان در حوزه فیلم‌های سینمایی هالیوودی بر این باورند که منجی در این فیلم‌ها دو گونه است: منجی سنتی- دینی و منجی مدرن سکولار(ر.ک: سلطانی ثانی، ۱۳۹۵: ۹۲). اما می‌توان به این دو مورد، نوع سومی را اضافه کرد و آن عدم ظهور منجی و در نتیجه هدایت ذهن بیننده به پوچ‌گرایی است.

روایت داستان فیلم‌های آخرالزمانی، با توجه به ایدئولوژی نهفته در ذهن سازنده فیلم متفاوت است. در دو فیلم «آخرالزمان» از سری فیلم‌های مردان ایکس و «جعبه پرنده»، دو روایت متفاوت از آخرالزمان و پساآخرالزمان مشاهده می‌شود که محور اصلی هر دو روایت، تقابل با مؤلفه‌های دینی آخرالزمانی است.

حوادث آخرالزمان در این دو فیلم با ظهور موجود اهریمنی در پایان جهان شروع می‌شود که ویژگی او بسیار به آنچه در مورد دجال و اهریمن در ادیان الهی آمده، نزدیک است. او به هدف حکومت بر جهان ظهور کرده و با قدرتی که در طی‌الأرض دارد، به دنبال جمع‌آوری نیروهای خود برای نابودی جهان و ایجاد حکومتی نو است. به نظر می‌رسد که نویسنده فیلم «آخرالزمان» مردان ایکس، بسیار از عناصر دینی در توصیف اهریمن پایان جهانی خود استفاده کرده است. به باور زرتشتیان، اهریمن در آغاز آفرینش، در جهان تاریکی به سر می‌برد. با تابیدن نور از عالم مینوی، او از آن عالم که سراسر پاکی است، آگاه می‌شود و قصد یورش به آن را می‌کند. اما با دعای اهورامزدا اهریمن برای هزاران سال به خواب می‌رود. او پس از هزاران سال خواب

بیدار شده و گیتی را مملو از شر و بدی و فساد می‌کند. چنین ایدئولوژی آخرالزمانی را در فیلم مذکور می‌توان دید.

اولین نکته‌ای که در این فیلم مورد توجه مخاطب آگاه قرار می‌گیرد، تقابل آن با دین، به‌خصوص دین اسلام است. اهریمن با نام «اِن سباح النور»، در کشور مصر در زمان‌های بسیار دور حاکم و فرمانروای زمین بوده و بر اثر شورش بردگان و مستضعفان برای مدت طولانی در قعر زمین دفن شده و به خواب می‌رود. نام او حکایت از آن دارد که اهریمن از مسلمانان است؛ زیرا به روایت داستان، گروهی از مسلمانان از محل او اطلاع داشته و او را تقدیس می‌کنند. کاشف این وجود اهریمنی که قرار است بشر را نابود کند، سازمان اطلاعات آمریکاست. این سازمان پس از تلاش بسیار، او را در مقبره اهرام ثلاثه مصر می‌یابد. به این ترتیب به بیننده چنین القا می‌شود که عنصر شیطان‌صفت پایان جهان، از کشورهای اسلامی برمی‌خیزد. با کشف این موجود و باز شدن دریچه نور به جهان تاریک، «اِن سباح» از خواب بیدار شده و از قدرت یافتن انسان‌های ضعیف و سلطه آنها بر جهان اطلاع می‌یابد. ازاین‌رو درصدد نابودی جهان و ساختن جهانی نو که خود حاکم آن بوده، برمی‌آید. او مدعی می‌شود که زاده مرگ است و برای بشر نابودی را به ارمغان خواهد آورد. همچنین او ادعای خدایی با نام‌های متفاوت از جمله الوهیم، خدای عهد عتیق، و رام، خدای هندو، در زمان‌های گذشته را دارد؛ زمانی که بشر هنوز گمراه نشده و او را خدای خود می‌دانست. ازاین‌رو می‌توان چنین استنباط کرد که او مدعی تجلی به‌صورت خدایان ادیان در گذشته است. چنین تصویری از شیطان در این فیلم دقیقا حکایت از آن دارد که اگرچه تقابل با اسلام به طور خاص مورد نظر سازنده است؛ اما هدف اصلی روایت، تقابل با دین است.

از موضوعات قابل توجه در فیلم «آخرالزمان» مردان ایکس، اشاره به قدرت علم و فناوری در مبارزه با دجال آخرالزمان است. به بیانی، منجی در پایان جهان، موعودی از نسل انبیا و صالحان جهان آن‌گونه که در ادیان آمده، نیست؛ بلکه دانشمندی است

که در سایه علم و فناوری به قدرت فراانسانی دست یافته و قادر است در لحظه‌ای با اذهان همه انسان‌ها ارتباط برقرار کرده و بر آن تأثیر گذارد. پروفسور چارلز که در این فیلم ناجی جهان از نابودی و نابودکننده اهریمن است، نه‌تنها عالم به تمام فنون و علوم عصر مدرن است، بلکه انسانی مصلح و مدبر نیز هست. به بیانی هر آنچه در ذهن مؤمنان ادیان در ارتباط با صفات منجی دینی متصور است، به نحو شایسته‌تری پروفسور این فیلم واجد آن است. او مدرسه‌ای برای نخبگان و جهش‌یافتگان تأسیس کرده و قدرت آنها را به سمتی هدایت می‌کند که برای رویارویی با نابودگر جهان بشریت در پایان جهان آماده شوند. به علاوه برخلاف حوادث مذکور آخرالزمان در کتب دینی که همه حکایت از تلخی و مصیبت‌های طبیعی و اخلاقی آن دوره دارد، در این فیلم پیش از رستاخیز اهریمن، همه چیز مطلوب است. به مدد علم و فناوری همه چیز تحت کنترل و مشکل طبیعی و اخلاقی در جهان به آن صورت که بشر از بابت آن به ستوه آمده، دیده نمی‌شود. مصیبت بشر از زمانی شروع می‌شود که اهریمن از خواب بیدار شده و جهان را در سیطره علم و فناوری می‌بیند. او موجودی است که به بیان خودش «از زمان شعله‌ور شدن بشر» و «پیش از زمانی که بشر راه خود را گم کرد» بوده، مدت‌ها بر جهان حکومت کرده و اکنون دوباره داعیه حکومت دارد. اما این بار جهان، به کمک علم و تکنولوژی و تربیت انسان‌های جهش‌یافته قصد دارد در مقابل این وجود اهریمنی بایستد.

یکی از موضوعات محوری در این فیلم، جهش‌یافتگانی هستند که در آمریکا زندگی می‌کنند و هرکدام از استعداد خاصی از جمله خواندن افکار، پرواز کردن، حرکت اجسام ساکن و بالعکس برخوردارند. سازمان اطلاعات آمریکا با وجود چنین جهش‌یافتگانی ادعا دارد اولین موجود جهش یافته اهریمن است که سال ها پیش به خواب رفته و بیدار شدن او برای جهان مصیبت به بار می‌آورد. ازاین‌رو برای نجات جهان از شر او سال‌ها به دنبال او بوده تا شر او را از جهان کم کند. به همین ترتیب اِن سباح نیز پس از بیدار شدن، به دنبال جهش‌یافتگان است؛ زیرا ادعا دارد آنها

قدرتمندان زمین و از نسل او هستند. او سعی دارد با یافتن آنها حکومت را از ضعیفانی که اکنون بر زمین حاکم شده‌اند، پس بگیرد؛ زیرا حکومت در آینده از آن قدرتمندان است نه ضعیفان. اما جهش‌یافتگان آمریکا غالبا متأثر از شرایط خوب جهان و تربیت در مدرسه‌جهش یافتگان در مقابل او می‌ایستند. اولین جهش‌یافته که به کمک او می‌شتابد، خلاف‌کاری در مصر و از گروه مسلمانان است. اهریمن می‌تواند با فریب و وعده قدرت که ویژگی خاص اوست، از میان خلاف‌کاران پیروانی به دور خود جمع کند و جهان را به آتش بکشد. به علاوه اگرچه او توانایی‌هایی از جمله حلول، تقویت نیروی نابودکنندگی پیروانش و طی‌الأرض دارد، اما به جهت عدم اشراف به علم و فناوری جدید، احساس ضعف می‌کند. از این جهت تصمیم می‌گیرد در بدن پرفسور چارلز که بزرگ‌ترین دانشمند آمریکا و مدیر مدرسه جهش‌یافتگان است، حلول کند و قدرت خود را کامل گرداند. پرفسور چارلز همان ناجی جهان است که خود را به رنج و سختی می‌اندازد تا به کمک جهش‌یافتگانی که در مکتب خود تربیت کرده، بر این وجود شیطانی و پیروانش پیروز شود. او ناجی جهان و پیام‌آور صلح و امنیت است.

فیلم «آخرالزمان» مردان ایکس با نابودی اهریمن تمام می‌شود. اما در فیلم «جعبه پرنده»، نویسنده بخشی را به آخرالزمان و بخش دیگر را به پساآخرالزمان اختصاص داده است. روایت داستان این فیلم بیشتر متوجه دوران بعد از پایان جهان است. در این فیلم، به‌مانند همه فیلم‌های آخرالزمانی، در پایان جهان اهریمنی که از قدرت جادویی و ماورایی برخوردار است، ظهور می‌کند. این بار تنها مشاهده او نابودکننده است. وجود شیطانی این داستان قرار نیست کاری انجام دهد. تنها مشاهده او کافی است که حالت روانی به انسان دست داده و خودکشی کند. بنابراین، در پایان جهان لازم است انسان‌ها خود را در خانه‌های تاریک حبس کنند و یا با چشمانی بسته در اجتماع حاضر شوند. البته یک گروه از این امر مستثنی هستند؛ خلاف‌کاران روانی. آنها که با ظهور آن وجود رعب‌آور از تیمارستان خلاف‌کاران روانی آزاد می‌شوند،

می‌توانند بدون بستن چشم در جامعه حاضر شوند و در نابود کردن انسان‌های سالم و درست‌کردار، به اهریمن کمک کنند. این‌گونه زندگی آینده بشریت تحت سیطره خلاف‌کاران روانی قرار می‌گیرد.

آنچه در این روایت از آخرالزمان به نظر می‌رسد، آشفتگی جهان در آخرالزمان، نابودی انسان‌ها و به قدرت رسیدن بدکاران است. در دنیای جدید که اختیار آن به دست نااهلان افتاده، جایی برای زندگی انسان‌های درست‌کار و آگاه نیست؛ زیرا در آن نه امیدی هست، نه آینده‌ای و نه رؤیایی. پساآخرالزمان برای انسان‌ها دوران بی‌هویتی است. در این فیلم شخصیت اول داستان که توانسته خود و دو کودک را با حبس کردن در خانه زنده نگه دارد، جز به ضرورت از خانه با چشمان بسته بیرون نمی‌آید. او با تمام وجود برای زنده ماندن تلاش می‌کند. برخلاف آنچه در ادیان از دوران درخشان پساآخرالزمان آمده، در روایت این داستان آینده مملو از تاریکی است. کودکان داستان نامی و هویتی ندارند، آرزویی و رویایی ندارند و نباید داشته باشند؛ زیرا دنیا از آرامش و صلح و علم تهی است و جایی برای زندگی کردن نیست. آن روزگار، دوران وحشت و ناآگاهی است؛ نه دورانی منور از نور علم و صفا. تنها راه نجات در این دوران آن است که انسان در تاریکی زندگی کند؛ خواه با چشمانی بسته و خواه با پیوستن به مجتمع نابینایان و این یگانه راه زنده ماندن است.

نتیجه‌گیری

با مقایسه‌ای میان عناصر دینی مربوط به آخرالزمان و پساآخرالزمان با عناصر همین دوران در دو فیلم «آخرالزمان» مردان ایکس و «جعبه پرنده» می‌توان به این نتیجه دست یافت که رسانه ضدارزشی و ضددینی توانسته است با اشراف بر موضوع آخرالزمان در ادیان و آشنایی ذهن مخاطب با این موضوع، به نفع ایدئولوژی خود از آن سوء استفاده کند. به همین منظور، با بهره گرفتن از عناصر محوری آخرالزمان در ادیان، همچون ظهور عنصر اهریمنی در پایان جهان، قدرت فراانسانی او، قائل شدن به وجود او از گذشته‌های دور و برپاکردن آتش و دود در جهان پس از ظهورش، همراه با صحنه‌هایی مملو از هیجان و جذابیت برای بیننده، توانسته است بر ذهن مخاطب خود که غالباً از نسل نوجوان و جوان هستند، بسیار تأثیرگذار باشد.

مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین عنصر در فیلم‌های مربوط به آخرالزمان در رسانه‌های ضددینی غرب، ظهور دجال در آخرالزمان است. این وجود شیطان‌صفت در ادیان الهی، به دلیل آنکه در برابر دین و حقیقت قد علم می‌کند، اهریمنی محسوب می‌شود؛ درحالی‌که در «آخرالزمان» مردان ایکس، چنان‌که پیداست، اهریمن آخرالزمان همان وجود مقدسی است که مسلمانان او را تقدیس کرده و شاید انتظار ظهور او را در پایان جهان می‌کشند. چنین وجود مقدس دینی در گذشته نیز در ادیانی همچون یهودیت و هندو به‌صورت خدا متجلی شده است. از این جهت می‌توان گفت خداستیزی محوری‌ترین ایدئولوژی این فیلم است. علاوه بر خداستیزی، موضع‌گیری در برابر منجی موعود ادیان و جایگزین کردن علم و فناوری به‌عنوان ابزار نجات در فیلم مذکور ملموس است. به نظر می‌رسد که فیلم‌های مرتبط با آخرالزمان بستر مناسبی شد تا ایده قدرت گرفتن علم و دانش به جای قدرت خداوند و کنار گذاشتن خداوند از صحنه کیهانی که از عصر روشنگری هدف بسیاری از دین‌پژوهان و متفکران روشنفکر غربی بوده، بارور گردیده و رواج یابد. در پرتو کمال علم و دانش، جهان در دوران پایانی در اوج شکوفایی و پیشرفت است و تنها با ظهور اهریمن با

آشفتگی مواجه می‌شود. اما بااین‌وجود جای نگرانی نیست؛ زیرا علم و تکنولوژی به درجه‌ای از کمال دست یافته که بتواند بر این وجود شیطانی غلبه کرده و پیروز شود.

تقابل علم و دین در فیلم «جعبه پرنده» به‌خصوص در دوران پساآخرالزمان بیشتر به نمایش گذاشته شده است. بنا بر تعالیم دینی به‌خصوص دین اسلام، دوران پس از ظهور دوران شکوفایی علم و معرفت است. در احادیث فراوانی به باورشدن علم و دانش در عصر ظهور اشاره شده است؛ علومی که بشر تا آن دوران به بخش اعظمی از آن دست نیافته است. در آن دوران در سایه دانش پیشرفته بشری و بالا رفتن درجه معرفت انسان، زندگی در کمال آرامش و صلح و همدلی ادامه خواهد یافت و بشر در آن ایام مفهوم واقعی زندگی را تجربه خواهد کرد. در مقابل چنین روایات و احادیثی در فیلم مذکور، دوران پساآخرالزمان بسیار ظلمانی و مبهم است. در آن دوران به جای اینکه انسان‌های درستکار بر اریکه قدرت بنشینند، خلاف‌کاران قدرت را در دست خواهند گرفت. به‌جز افراد نابکار و نادرست، دیگر انسان‌ها باید با بی‌هویتی، ناآگاهی و ناامیدی برای زنده ماندن تلاش کنند. به نظر، اشاره به مجتمع نابینایان در فیلم، به‌عنوان مأمنی برای زندگی در دوره پساآخرالزمان، اشاره به عدم معرفت و آگاهی در آن دوران دارد که این مفهوم دقیقا در مقابل مفهوم دینی قرار گرفته است. چنین روایتی از دوران پساآخرالزمان، جهان ایده‌آل و مطلوب ادیان را از دوران پس از ظهور منجی نشانه گرفته و نتیجه‌ای جز پاشیدن بذر پوچی و ناامیدی در قلوب و اذهان انسان ندارد.

خداستیزی، مبارزه با روایت دینی از منجی موعود و در عوض علم و فناوری را بر اریکه قدرت نشاندن، ترویج ناامیدی و پوچ‌گرایی و خشکاندن بذر انتظار در دل پیروان ادیان، از جمله اهداف روایت آخرالزمانی رسانه غرب به‌ویژه در این دو فیلم است.

فهرست منابع

قران کریم.

کتاب مقدس.

۱. امام جمعه، مهدی؛ جهان احمدی، آزاده(۱۳۸۹). «دجال‌شناسی تطبیقی در الهیات اسلامی-مسیحی»، ***الهیات تطبیقی***، سال اول، ش ۳، ص۱۹-۳۲.

۲. باغبانی آرانی، جواد(۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی ارتباط آخرالزمان و موعود در قرآن و عهدین»، ***پژوهشهای مهدوی***، سال ششم، ش۲۳، ص۷۱-۹۰.

۳. بهار، مهرداد(۱۳۷۶). ***پژوهشی در اساطیر ایران***، تهران، توس.

۴. تفضلی، احمد(۱۳۵۴). ***مینوی خرد***، چاپ اول، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

۵. پورداوود، ابراهیم(۱۳۷۴). ***سوشیانس***، چاپ دوم، تهران، فروهر.

۶. دوستخواه، جلیل(۱۳۷۴). ***اوستا***، چاپ دوم، تهران، مروارید.

۷. دین‌پناه، حسین(۱۳۹۷). «مقایسه پیشگویی امامیه و مسیحیت صهیونیسم درباره عصر ظهور؛ تحقق حکومت جهانی عدل و صلح»، ***معرفت ادیان***، ش ۳۷، ص۲۵- ۴۳.

۸. سلطانی ثانی، عباس؛ آیتی، نصرت‌الله(۱۳۹۵). «بررسی سینمای آخرالزمان در سه دهه اخیر بر اساس کتاب مقدس»، ***عصر آدینه***، ش ۱۷، ص۶۹-۹۸.

۹. شیخ صدوق، محمدبن علی بابویه(۱۳۸۲). ***کمال الدین و تمام النعمه***، ترجمه منصور پهلوان، قم، مسجد مقدس جمکران.

۱۰. طباطبایی، محمدحسین(بی‌تا). ***شیعه در اسلام***، مقدمه سیدحسین نصر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۱. کهن، ابراهام(بی‌تا). ***گنجینه‌ای از تلمود***، ترجمه امیرفریدون گرگانی، اساطیر، تهران.

۱۲. گرینستون، جولیوس هیلل(۱۳۸۷). ***انتظار مسیحا در آئین یهود***، ترجمه حسین توفیقی، چاپ دوم، قم، ادیان و مذاهب.

۱۳. متقی، حسین؛ طباطبایی، محمد(۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی پیش‌گویی‌های آخرالزمان از دیدگاه یهودیت، مسیحیت و اسلام»، ***پژوهشهای مهدوی***، سال پنجم، ش ۱۸، ص۵-۲۵.

۱۴. مجلسی، محمدباقر(۱٤۰٤). ***بحارالأنوار: الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام***، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۸۶). ***حکومت جهانی مهدی***، قم، نسل جوان.

۱۶. ناس، جان(۱۳۷۰). ***تاریخ جامع ادیان***، ترجمه علی‌اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۱۷. نصیری، علی(۱۳۹۰). «نگاهی به رخدادهای آخرالزمان از منظر قرآن»، ***پژوهش‌های مهدوی***، ش۱، ص۱۱۶-۱۴۲.

۱۸. نقیب السادات، رضا(۱۳۹۶). «بازنمایی منجی در تولیدات سینمای هالیوود معطوف به آخرالزمان»، ***عصر آدینه***، ش ۲۳، ص۷۱-۹۶.